

فرهنگ تلویزیونی؛

بازنمایی روابط دختران و پسران جوان در سریال‌های ایرانی پربیننده

دکتر محمدسعید ذکایی*، محمد فتحی‌نیا✉

چکیده

روابط دختران و پسران جوان، یکی از مسائل و دغدغه‌های نهادها و مسئولان فرهنگی کشور و از درونمایه‌های اصلی آن دسته از سریال‌های صداوسیماست که با محوریت مسائل جوانان تولید و پخش شده‌اند. صداوسیما در دهه اخیر توجه بیشتری به این مسئله نشان داده و بویژه در سریال‌هایش سعی در ارائه الگویی مبتنی بر مذهب و سنت از این روابط داشته است. در مقاله حاضر، نحوه بازنمایی روابط دختران و پسران جوان در پربیننده‌ترین سریال‌های پخش شده از صداوسیما با محوریت جوانان، در فاصله سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۸۳، با استفاده از روش «تحلیل روایت» بررسی شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که روابط دختران و پسران جوان (پیش از ازدواج) در سریال‌های مورد بررسی در یکی از الگوهای زیر صورت‌بندی شده است: روابط عاشقانه دو طرفه، روابط عاشقانه یک‌طرفه، روابط عاقلانه دو طرفه (عقلانیت ارزشی) همراه با روابط عاطفی حداقلی و روابط اجتماعی (خواهر - برادری). از میان این الگوها، فقط الگوی رابطه عاقلانه دو طرفه با قصد ازدواج و با اطلاع، هدایت و نظارت افراد بزرگسال (بویژه والدین)، خوب‌نمایی شده و سایر الگوها کم و بیش دچار بدنمایی یا غیاب بازنمایی بوده‌اند.

کلید واژه‌ها: بازنمایی، روابط اجتماعی، جوانان، سریال‌های تلویزیونی، تحلیل روایت

* دکترای جامعه‌شناسی، دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی

EmaiL:Fathinia@gmail.com

✉ نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی

پذیرش نهایی: ۹۳/۴/۸

تجدید نظر: ۹۳/۳/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۲۰

مقدمه

سخن گفتن از فرهنگ‌های مدرن به معنای سخن گفتن از فرهنگ‌های رسانه‌ای است (استیونسون^۱، ۱۹۹۵، ص ۳). ویژگی‌های فرهنگ بازنمایی شده از طریق رسانه‌ها با سیاست‌های رسانه بازنمایی‌کننده مرتبط است. عناصر اصلی سیاست رسانه‌ای صرف نظر از موضوع تغییرات صورت گرفته در طول زمان و تفاوت‌های میان بافت‌ها، عبارت‌اند از: اهداف یا موضوعاتی که دنبال می‌شوند؛ ارزش‌ها و معیارهایی که از طریق این اهداف تعیین یا شناسایی شده‌اند؛ محتوا و خدمات ارتباطی متنوع که سیاست تعیین شده را دنبال می‌کنند؛ خدمات توزیع متفاوت و در نهایت، ارزیابی سیاست مطلوب و روش‌های تکمیلی (مک‌کوئیل^۲ و کولنبرگ^۳، ۲۰۰۳). تمام این عناصر کم و بیش در تعیین نوع فرهنگی که یک رسانه بازنمایی می‌کند، مؤثرند. بر این اساس، رسانه‌های متنوع، فرهنگ‌های مختلفی را در حوزه‌های گوناگون بازنمایی می‌کنند و مخاطبان‌شان را به پذیرش فرهنگ رسانه‌ای ارائه شده فرا می‌خوانند. به طوری که امروزه فرهنگ رسانه‌ای به نیروی مسلط جامعه‌پذیری تبدیل شده و تصاویر و شخصیت‌های تلویزیونی به‌مثابه سازندگان سلیقه، ارزش و تفکر، تا حد زیادی جای خانواده‌ها، مدارس و نهادهای مذهبی را گرفته‌اند و صورت‌های جدیدی از هویت‌یابی و تصاویر ملازم با آن را در خصوص سبک زندگی، مد و رفتار شکل داده‌اند (کِلنر^۴، ۲۰۰۲، ص ۱۷).

در چنین شرایطی، سیاستگذاران و تهیه‌کنندگان برنامه‌های تلویزیونی با توجه به اهداف و سیاست‌های تعیین شده، سعی در ترویج فرهنگ تلویزیونی خاصی در حوزه‌های مختلف دارند و به این منظور، مسائل فرهنگی و اجتماعی را به گونه‌ای بازنمایی می‌کنند که مخاطبان را به سمت فرهنگ تلویزیونی مورد نظر دعوت کنند. بر این اساس، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران نیز از طریق ژانرها و برنامه‌های گوناگون، در پی ترویج فرهنگ تلویزیونی خاصی در بین مخاطبان است. در این میان، برخی ژانرها و مخاطبان جایگاهی خاص دارند: در میان ژانرهای مختلف برنامه‌های

1. Stevenson

2. McQuail

3. Cuilenburg

4. Kellner

تلویزیونی، «سریال» ویژگی‌های بارزی در این زمینه دارد؛ ژانر سریال‌های تلویزیونی - به عنوان پربیننده‌ترین ژانر تلویزیون - از سویی، به دلیل جذابیت آن برای مخاطب عام تلویزیون و از سوی دیگر به دلیل ظرفیت‌هایی که برای طرح پیام‌های مورد نظر به صورتی غیرمستقیم و کمتر حساسیت‌برانگیز دارد، مورد توجه فراوان است. در میان مخاطبان نیز، توجه خاصی به مخاطبان نوجوان و جوان، با توجه به ترکیب سنی کشور و قابل ملاحظه بودن جمعیت این قشر و نیز تصویری مبنی بر در حال شکل‌گیری بودن نگرش‌ها و رفتارهای این رده سنی وجود دارد.

بر این اساس، شبکه‌های مختلف صداوسیما به منظور ترویج فرهنگ تلویزیونی مورد نظر سازمان در بین نوجوانان و جوانان، به تولید و پخش سریال‌های متعددی با محوریت مسائل و موضوعات مربوط به این قشر پرداخته‌اند و در برخی موارد توانسته‌اند مخاطبان زیادی را به خود جلب کنند. علاوه بر سریال‌های معمول تلویزیون از سال ۱۳۸۵ شاهد تولید و پخش نوع جدیدی از سریال‌های تلویزیونی بوده‌ایم که با سیاست پرداختن به مسائل فرهنگی - اجتماعی جاری جامعه و فرهنگ‌سازی در خصوص این مسائل بویژه در میان نوجوانان و جوانان تولید شده‌اند و با توجه به موضوعات، درونمایه‌ها و نحوه پخش آنها (هر شب یا یک شب در میان) از پربیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیونی بوده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که درونمایه «روابط دختران و پسران جوان بویژه روابط پیش از ازدواج» اصلی‌ترین یا یکی از اصلی‌ترین درونمایه‌های این سریال‌ها بوده است. پژوهش حاضر، نحوه بازنمایی این درونمایه را در سریال‌های تلویزیونی پربیننده در حوزه جوانان بررسی می‌کند.

در بررسی‌های اکتشافی از نحوه مواجهه مخاطبان با سریال‌های تلویزیونی به نظر می‌رسد که مخاطبان، سریال‌ها را پیش و بیش از هر عنصر دیگری، از طریق روایت آنها درک می‌کنند^(۱). بر این اساس، مقاله حاضر با تحلیل روایت سریال‌های پربیننده از روابط دختران و پسران جوان در پی به دست دادن تصویری کلی از نحوه بازنمایی این درونمایه و چگونگی روایت الگوهای مورد تأیید و مورد نکوهش پربیننده‌ترین سریال‌های تلویزیونی با محوریت جوانان در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ - ۱۳۹۳، می‌باشد.

نتایج پژوهش حاضر امکان می‌دهد تا کلان روایت^۱ سریال‌سازی صداوسیما در خصوص مسئله روابط دختران و پسران جوان و نقاط قوت و ضعف عملکرد سازمان در این حوزه مشخص شود و زمینه پرداختن علمی‌تر و حرفه‌ای‌تر به این مسئله در تولیدات آتی تلویزیونی فراهم آید.

فرهنگ و روایت‌های تلویزیونی

با رویکرد مطالعات فرهنگی، «فرهنگ» برساخته‌ای اجتماعی محصول تعامل رمزگذاری متون از طریق نهادهای فرهنگی مختلف و رمزگشایی مخاطبان در جریان مصرف فرهنگی است. رسانه‌ها یکی از نهادهای فرهنگی جامعه هستند که در تعامل با سایر منابع فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری مخاطبان و متأثر از نحوه مواجهه مخاطبان با آنها، دست‌اندرکار تغییر فرهنگ عمومی جامعه در حوزه‌های مختلف می‌باشند. در این میان، ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی و گسترش انواع رسانه‌ها در سال‌های اخیر، موجب پررنگ‌تر شدن نقش رسانه‌ها در این عرصه شده است.

در همین خصوص، گیبینز^۲ و ریمر^۳ کارکردهای زیر را برای رسانه‌ها در زندگی روزمره مخاطبان برمی‌شمارند: رسانه‌ها به فرایندهای معناسازی و ساختن هویت کمک می‌کنند؛ با شکل دادن به الگوی ذهنی مخاطبان، رویدادها را برای آنها معنادار و قابل فهم می‌سازند و از این طریق، به شکل‌گیری نگرش‌های آنها کمک می‌کنند؛ در استفاده مردم از رسانه‌ها، جنبه لذت‌جویانه‌ای وجود دارد که به مصرف محدود نمی‌شود، بلکه مخاطبان در مواقع دیگر درباره محتوای رسانه‌ها با هم صحبت می‌کنند و سرانجام اینکه رسانه‌ها تا حدی موجب ساخت‌مند شدن زندگی روزمره می‌شوند (گیبینز و ریمر، ۱۳۸۱، صص ۷۳-۷۰ به نقل از مهدی‌زاده، ۱۳۸۹، صص ۴۹-۴۸).

به اعتقاد استیونسون (۱۹۹۵، ص ۳) بخش اعظم فرهنگ مدرن از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی منتقل می‌شود. رسانه‌های گوناگون، اپرا و موسیقی کلاسیک پخش می‌کنند؛ به تعریف داستان‌هایی درباره زندگی سیاستمداران می‌پردازند و آخرین اخبار و شایعه‌های هالیوود را در اکناف جهان منتشر می‌کنند. این امر موجب تغییر شگرفی در

1. Big Story

2. Gibbins

3. Reimer

تجربه پدیدارشناختی زیستن در مدرنیته شده است. به بیان دیگر، شالوده «واقعیت» زیسته در مدرنیته اخیر با جذب بازنمودهای تصویری و متنی دریافتی از رسانه‌ها شکل می‌گیرد و بنابراین از طریق همان‌ها تدوین و بیان می‌شود. چنی^۱ با این دیدگاه موافق است و می‌گوید: «همه جنبه‌های تجربه زیسته ما از رهگذر فعالیت شکل‌دهنده منابع بازنمودی فرمول‌بندی و عیان می‌شود» (۱۹۹۴، ص ۶۷ به نقل از بنت، ترجمه جوافشانی و چاووشیان، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱). در همین زمینه، رابرت اسنو^۲ معتقد است که در پرتو فراگیر و پرنفوذ رسانه‌ها، مبالغه‌آمیز نیست اگر بگوییم ما هم‌اکنون در یک «فرهنگ رسانه‌ای» زندگی می‌کنیم. این به معنای آن است که تقریباً تمام نهادها - مشتمل بر نهادهای مذهبی، سیاسی، دولتی، قضایی و انتظامی، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و حتی خانواده - تحت نفوذ همه‌جانبه فرهنگ متبادر از رسانه‌های جمعی قرار دارند. میشل مارتین^۳ خصوصیت اولیه فرهنگ رسانه‌ای در جوامع مدرن کنونی را «اجتماعی شدن انفرادی»^۴ افراد از سوی رسانه‌ها می‌داند (استرانجلاو^۵، ۱۹۹۸، صص ۵ - ۳).

رسانه‌ها اغلب به عنوان پلی بین زندگی شخصی و جهان اجتماعی عمل می‌کنند و عاملی قدرتمند در جامعه‌پذیری ما هستند. ما، خودمان و جایگاهمان را در جامعه از طریق رسانه‌ها درک می‌کنیم و به همین دلیل، برای ایفای وظایف و کارکردهای اجتماعی خود در جامعه، ناگزیر از توجه به رسانه‌ها و درک محتوای آنها هستیم. یعنی همه ما، نحوه رفتار در موقعیت‌های اجتماعی خاص و انتظارات نقش‌ها در جامعه را یاد می‌گیریم. بنابراین، رسانه‌ها به طور متناوب، تصاویر و الگوهای رفتاری درباره زندگی را به مخاطبان عرضه می‌کنند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۵۸).

در میان رسانه‌های مختلف، تلویزیون نقش مهمی در ارائه فرهنگ رسانه‌ای دارد و برخی صاحب‌نظران از جمله بودریار^۶، این رسانه ارتباطی را «وجه اصلی فرهنگ رسانه‌ای» (همان)، می‌دانند. آنچه رسانه تلویزیون با ساماندهی فنی خود القا می‌کند، ایده‌ای جهانی است که پیوسته قابل رویت، تقسیم‌پذیری و قرائت شدن در تصاویر

1. Chaney 2. Robert Snow 3. Michelle Martin

4. scialization of individuals 5. Strangelove

6. Baudrillard

است (ترجمه احمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵). تلویزیون تصاویر مختلفی از جهان پیرامون و مسائل آن ارائه می‌دهد و مخاطبان را به سمت پذیرش قرائت و روایتی خاص - که به نحوی در میان سایر روایت‌ها برجسته شده - دعوت می‌کند.

کنش ساده تماشای دسته‌جمعی تلویزیون، برای رسیدن به احساسات مشترک، باعث برقراری ارتباطی می‌شود که فراتر از کلماتی است که بر زبان می‌آیند. تلویزیون همچنین می‌تواند به مثابه یک وسیله آموزشی عمل کند: این رسانه که به عنوان ابزاری برای یادگیری به حوزه نشانه‌شناسی وارد شده، توأمان هم به عنوان ابزار قاعده‌مندسازی و هم به عنوان ابزار مقاومت عمل می‌کند. هویت‌ها در آن مورد تأکید قرار می‌گیرند، ارزش‌ها در آن برجسته می‌شوند و در نهایت، بر سر آنها کشمکش صورت می‌گیرد و بر روی آنها کار می‌شود: از جنسیت گرفته تا تمایل جنسی و از نسل گرفته تا قومیت. ساختارهای مراقبتی تلویزیون و اخلاقیات آن در همه اجزا قصد دارند همه مخاطبان را به مثابه یک فرد مورد خطاب قرار دهند (بریگز، ۲۰۱۰، ص ۱۵۰). الیس^۲ (۱۹۹۹) نقش تلویزیون در خانه و جامعه را به گونه‌ای دیگر توضیح داده است: «مهم است تأکید کنیم که امروزه تلویزیون بخشی مانوس از تجربه خانگی هر فرد در جهان توسعه‌یافته است. موقعیت خانگی ویژه تلویزیون بدان معناست که بیشتر اوقات، سطح پایینی از توجه مخاطب را به خود اختصاص می‌دهد؛ اما این سطح پایین مشابه توجهی است که به بیشتر موارد دیگر (و حتی بیشتر افراد دیگر) در فضای خانگی صورت می‌گیرد. تلویزیون در فضای صمیمی افراد رخنه می‌کند و قدرت آن هم در همین مسئله نهفته است (ص ۶۸). فیسک^۳، معتقد است تلویزیون معنایی را به وجود می‌آورد (یا می‌کوشد به وجود آورد) که در خدمت جهان‌بینی غالب قرار می‌گیرند. به وجود آمدن معنا از برنامه‌های تلویزیونی، مستلزم به کار گرفتن رمزگان تلویزیون است که فیسک آن را چنین تعریف کرده است: «رمز عبارت است از نظامی از نشانه‌های قانونمند که همه آحاد یک فرهنگ به قوانین و عرف‌های آن پایبندند. این نظام، مفاهیمی را در فرهنگ به وجود می‌آورد و اشاعه می‌دهد که موجب حفظ آن فرهنگ می‌شود» (ترجمه برومند، ۱۳۸۶، ص ۱۲۷).

تلاش تلویزیون برای «فرهنگ‌سازی» در حوزه‌های مختلف، از طریق ژانرهای گوناگون برنامه‌سازی در این رسانه انجام می‌شود و در این راستا ژانر نمایش و بویژه سریال، جایگاه ویژه‌ای برای طرح مسائل فرهنگی - اجتماعی دارد. سریال‌های تلویزیونی در پی گفتمان‌سازی در حوزه‌های مختلف هستند. گفتمان تلویزیون، همانند هر گفتمان دیگری، نوعی «ترکیب‌بندی» عناصر مختلف است که حول «نقطه محوری»^۱ خاصی وحدت یافته‌اند (آزاد ارمکی و محمدی، ۱۳۸۵، ص ۳). به بیان دیگر، سریال‌های تلویزیونی با طرح روایت‌های مختلف، تثبیت معنای نشانه‌ها و طبیعی جلوه دادن برخی رفتارها و نگرش‌ها، در پی برجسته‌سازی گفتمان مورد نظر تلویزیون در حوزه‌های مختلف هستند. در کلان‌ترین سطح، سریال‌های تلویزیونی روایت‌های مختلفی را از دنیای پیرامون مخاطبان مطرح می‌کنند که با تحلیل آنها می‌توان به نحوه بازنمایی یک مسئله و روایتی که مخاطبان به پذیرش آن دعوت می‌شوند، پی برد. از میان تعاریف مختلفی که برای روایت^۲ ارائه شده شاید ساده‌ترین و در عین حال کامل‌ترین، تعریف تولان^۳ باشد: «توالی از پیش انگاشته شده رخدادهایی که به طور غیرتصادفی به هم اتصال یافته‌اند». در واقع در بطن هر روایت، دو ویژگی بسیار مهم دیده می‌شود: علیت و زمان‌مندی. واژه‌های «غیر تصادفی» و «توالی» در تعریف فوق بیانگر همین نکته هستند (بارت^۴، ترجمه راغب، ۱۳۸۷، ص ۹). اوحدی (۱۳۹۱) در کتاب «روایت‌شناسی سینما و تلویزیون» بر اهمیت روایت نسبت به سایر جنبه‌های فیلم (و سریال) تأکید می‌کند و می‌نویسد: «اصولاً فیلم‌های بلند، نخست بر حسب روایت، درک و دریافت می‌شوند و هر چیز دیگری، جنبه ثانوی دارد. جلوه‌های تماشایی، میزانشن‌های پیچیده، صحنه‌پردازی‌های باشکوه، طرح‌های هوشمندانه در القای زمان و فضا و ... همه جزئی از روایت‌اند» (ص ۱۵). برای تحلیل روایت، الگوهای مختلفی وجود دارد که اغلب آنها معطوف به بررسی ساختار روایت هستند. در این میان، ویلیام لابوف^۵ الگویی ارائه داده که بیشتر متوجه محتوای روایت است تا ساختار آن و الگویی کاربردی برای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش حاضر تلقی می‌شود.

1. nodal point

2. narrative

3. Toolan

4. Barthes

5. William Labov

لابوف، یک روایت کامل را متشکل از شش جزء کارکردی متمایز می‌داند که عبارت‌اند از: انتزاع (چکیده)^۱؛ جهت‌گیری^۲؛ کنش پیچیده‌کننده^۳؛ ارزیابی^۴؛ نتیجه یا راه‌حل^۵ و کد (پایان)^۶ (لابوف، ۱۹۷۲، ص ۳۷۰ به نقل از ذکایی، ۱۳۸۷، صص ۷۴-۷۳).

انتزاع، نمای کلی روایت را به شکل کاملاً خلاصه به دست می‌دهد. جهت‌گیری، شرکت‌کنندگان (شخصیت‌ها) و موقعیت‌ها، بخصوص موقعیت‌های زمانی و مکانی را در روایت مشخص می‌کند. کنش پیچیده‌کننده تنها عنصر ضروری هر روایت و رویدادی است که وضعیت را از حالت عادی خارج می‌کند و پیچیدگی لازم را برای خلق روایت فراهم می‌آورد. ارزیابی برجسته‌ترین مؤلفه دخالت راوی و دربرگیرنده همه ابزارهایی است که برای به اثبات رساندن و حفظ نکته اصلی روایت، اهمیت یافتن و قابلیت بازگویی یا گزارش‌پذیری آن به کار می‌رود. راه‌حل، راهکار پیشنهادی روایت برای حل مشکل ناشی از کنش پیچیده‌کننده است و در عنصر کد، به نتیجه راه‌حل و پایان روایت توجه می‌شود (تولان، ترجمه علوی و نعمتی، ۱۳۸۶، صص ۲۸۴-۲۶۵).

در پژوهش حاضر، روایت سریال‌های تلویزیونی پربیننده با محوریت جوانان از روابط دختران و پسران جوان با بهره‌گیری از عناصر مدل لآبوف بررسی شده است تا نحوه بازنمایی این درونمایه در سریال‌های صداوسیما طی یک دوره زمانی ده‌ساله مشخص شود. تمرکز پژوهش حاضر بر متن، به معنای نادیده گرفتن فعالیت مخاطبان در تعامل با این متن نیست و مخاطبان متأثر از متغیرهای فردی و اجتماعی، نحوه مصرف و چگونگی مواجهه آنها با متن، می‌توانند گفتمان و روایت ارائه شده را بپذیرند، تعدیل کنند یا رد نمایند.

روش پژوهش

در این پژوهش از بررسی روایت سریال‌های مورد نظر در خصوص روابط دختران و پسران جوان و تحلیل این روایت با بهره‌گیری از عناصر مدل لآبوف، برای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش استفاده شده است. دلیل استفاده از این الگو، ظرفیت‌های آن در بررسی محتوای روایت است.

- | | | |
|---------------|-------------------------|------------------------|
| 1. abstract | 2. orientation | 3. complicating action |
| 4. evaluation | 5. result or resolution | 6. coda |

سریال‌های مورد بررسی در این پژوهش، با در نظر گرفتن دو معیار پربیننده بودن (با تعریف عملیاتی داشتن بیش از ۶۰ درصد مخاطب) و مطرح بودن درونمایه روابط دختران و پسران جوان به عنوان درونمایه اصلی یا یکی از درونمایه‌های اصلی سریال، به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. این سریال‌ها عبارت‌اند از: نرگس (۶۹ قسمت، پخش شده در سال ۸۵ با متوسط میزان بیننده ۷۸/۶ درصد در طول ماه‌های پخش)، ترانه مادری (۴۷ قسمت، پخش شده در سال ۸۷ با متوسط میزان بیننده ۶۴/۳ درصد)، دلنوازان (۴۸ قسمت، پخش شده در سال ۸۸ با متوسط میزان بیننده ۷۴/۶ درصد)، فاصله‌ها (۳۷ قسمت، پخش شده در سال ۸۹ با متوسط میزان بیننده ۷۰/۲ درصد) و مادرانه (۲۷ قسمت، پخش شده در سال ۹۲ با متوسط میزان بیننده ۶۶/۹ درصد) (نظرسنجی‌های هفتگی مرکز تحقیقات صداوسیما در خصوص میزان مخاطبان سریال‌های تلویزیونی در حال پخش). تمام قسمت‌های سریال‌های اشاره شده بازبینی و تحلیل شده است.

تمرکز این پژوهش - با توجه به اهمیتی که برای روایت سریال‌ها در مواجهه مخاطبان با آنها ذکر شد - بر روایت سریال‌ها (داستان فیلمنامه) بوده و یافته‌ها با توجه به دسته‌بندی‌های حاصل، ابعاد نظری و یافته‌های پژوهش‌هایی با موضوع مشابه تحلیل شده است. تشریح عناصر الگوی لایبوف و کنترل جداول از سوی نویسنده تأمین‌کننده پایایی پژوهش بوده است؛ همچنان که مقایسه‌های دایم و ارائه شواهدی از متن سریال‌ها، روایی پژوهش را تأمین کرده است.

یافته‌های پژوهش

بررسی روایت سریال‌های تلویزیونی پربیننده با محوریت مسائل و موضوعات جوانان، حاکی از آن است که روابط دختران و پسران (پیش از ازدواج) در سریال‌های مورد بررسی به طور عمده^(۲) در یکی از الگوهای زیر صورت‌بندی شده است:

۱. روابط عاشقانه دو طرفه
۲. روابط عاشقانه یک طرفه
۳. روابط عاقلانه دو طرفه (عقلانیت ارزشی) همراه با روابط عاطفی حداقلی
۴. روابط اجتماعی (خواهر - برادری)

۱. روابط عاشقانه دوطرفه

این نوع روابط در سریال‌های مورد بررسی با برخی ویژگی‌های مشترک بازنمایی شده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: آشنایی بی‌واسطه (خودگزین)، دل بستن به طرف مقابل بدون شناخت کافی از او (شکل گرفتن عشق پیش از ازدواج و کافی دانستن آن برای ازدواج)، رابطه عاطفی حداکثری و عقلانیت حداقلی، رابطه پنهانی بدون اطلاع خانواده‌ها در فضاهایی مانند خیابان، پارک و کافی‌شاپ، بی‌توجهی به هشدارهای بزرگترها و اصرار بر ازدواج با وجود مخالفت خانواده، ازدواج فراطبقاتی و مهم نبودن تناسب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دو طرف، ازدواج با مهریه بالا و مراسم ساده و خانگی با حضور خانواده‌ها و دوستان صمیمی و سرانجام بی‌اعتنایی به اصول مذهبی و سنتی در روابط پسر و دختر. چنین روابطی در سریال‌های تلویزیونی مورد بررسی با دردمس زیاد منجر به ازدواج شده‌اند؛ اما حاصل آنها یک زندگی توأم با رنج و بدبختی و سختی بوده است. جزئیات مربوط به بازنمایی این نوع رابطه در سریال‌های مورد بررسی در جدول ۱ و تحلیل روایت یکی از این روابط (رابطه بهروز و نسرین در سریال نرگس) در جدول ۲ آمده است.

جدول ۱- رابطه عاشقانه دوطرفه (پیش از ازدواج) در سریال‌های ایرانی پربیننده

با محوریت جوانان

موضوع سریال (ارزیابی)	نتیجه (پایان)	شرح رابطه در سریال (وضعیت)	شخصیت‌ها و سریال	الگوی رابطه (انتزاع)
بدنمایی	ازدواج، طلاق و بازگشت مجدد به خاطر بچه	کمرنگ شدن عشق در جریان مواجهه با مشکلات زندگی، اصرار پدر بهروز برای جدایی بهروز از نسرین، سفر بهروز به ایتالیا و باز نگشتن او، اطلاع نسرین از بارداری، تلاش برای ملحق شدن به بهروز و ناکام ماندن، تولد فرزند نسرین در شهر مرزی، طلاق غیابی نسرین از بهروز، بازگشت بهروز بعد از سه سال و تصمیم نسرین به زندگی در کنار او به خاطر بچه	بهروز و نسرین (نرگس)	روابط عاشقانه دو طرفه؛ رابطه عاطفی حداکثری و عقلانیست حداقلی از هر دو طرف رابطه

ادامه جدول ۱

موضوع سریال (ارزیابی)	نتیجه (پایان)	شرح رابطه در سریال (وضعیت)	شخصیت‌ها و سریال	الگوی رابطه (انتزاع)
بدنمایی	ازدواج، تصمیم به طلاق، تعویق طلاق تا به دنیا آمدن بچه، بازگشت به زندگی به خاطر بچه	تبدیل عشق به نفرت و بنای ناسازگاری از طرف بهزاد بعد از ازدواج به دلیل سوءتفاهم او در خصوص انگیزه یلدا از ازدواج (دریافت مهریه ۲۰۰۰ سکه‌ای)، تصمیم یلدا به طلاق و مقاومت بهزاد، راضی شدن بهزاد به طلاق پس از بخشش مهریه از سوی یلدا و ناامیدی بهزاد از ادامه زندگی با او، اطلاع از بارداری یلدا و به تعویق افتادن طلاق تا زمان به دنیا آمدن بچه، به دنیا آمدن بچه، اقدام یلدا برای ترک بهزاد و خانواده از بیمارستان (طبق توافق قبلی بهزاد و یلدا)، تغییر نظر بهزاد در آخرین لحظه و برگرداندن یلدا به خاطر بچه	بهزاد و یلدا (دلنوازان)	روابط عاشقانه دو طرفه؛ رابطه عاطفی حداکثری و عقلانیست حداقلی از هر دو طرف رابطه

جدول ۲- تحلیل روایت سریال نرگس از رابطه عاشقانه دو طرفه (پیش از ازدواج) بهروز و نسرين با بهره‌گیری از عناصر مدل لایبوف برای تحلیل روایت

انتزاع	وضعیت (جهت‌گیری)	کنش پیچیده‌کننده	ارزیابی (موضوع سریال)	راه‌حل	پایان
روابط عاشقانه دو طرفه پیش از ازدواج	ازدواج بهروز و نسرين به دنبال یک رابطه عاشقانه پیش از ازدواج، بهروز مشکلات زندگی، خسته شدن بهروز از مشکلات و رها کردن خانواده	مخالفت پدر بهروز با ازدواج نسرين و بهروز و تلاش او برای جدایی آنها به هر قیمتی	آشنایی و روابط پیش از ازدواج خارج از دایره شرع و سنت، بدون اطلاع خانواده‌ها و بی‌توجهی به نظر بزرگ‌ترها منجر به شکست رابطه است و حتی نیروی عشق قادر به نجات چنین رابطه‌ای نیست.	واقع‌بینی، کمک گرفتن از بزرگ‌ترها، غلبه عقل بر احساسات	طلاق نسرين از بهروز، بازگشت مجدد بهروز بعد از سه سال و رضایت نسرين به ادامه زندگی با او فقط به خاطر دخترشان

۲. روابط عاشقانه یک‌طرفه

این نوع رابطه در سریال‌های مورد بررسی در دو حالت بازنمایی شده است: حالت اول، مبتنی بر عشق از یک‌طرف و فریب از طرف دیگر است و در حالت دوم، عشق از یک‌طرف با واکنش بیشتر عقلانی و کمتر عاطفی یا بی‌تفاوتی طرف دیگر مواجه است. ویژگی‌های کلی روابط عاشقانه یک‌طرفه در سریال‌های مورد بررسی، در شرایطی که یکی از طرفین در پی فریب طرف دیگر است، شبیه ویژگی‌های کلی ذکر شده برای روابط عاشقانه دو طرفه است. جزئیات مربوط به بازنمایی این نوع رابطه در سریال‌های مورد بررسی، در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳- رابطه عاشقانه یک‌طرفه (پیش از ازدواج) به صورت عشق از یک طرف

و فریب از طرف دیگر در سریال‌های ایرانی پربیننده با محوریت جوانان

موضوع سریال (ارزیابی)	نتیجه (پایان)	شرح رابطه در سریال (وضعیت)	شخصیت‌ها و سریال	الگوی رابطه (انتزاع)
بدنمایی	ناکامی، شکست، جدایی و پشیمانی	آشنایی سعید و بیتا در محل کار و عشق سعید به بیتا که دختری هرزه و دزد است، تظاهر به عشق از طرف بیتا، اطلاع خانواده و اطرافیان سعید از رابطه سعید و بیتا و ماهیت واقعی بیتا و هشدار آنها به سعید، بی‌توجهی سعید و ادامه رابطه، آگاه شدن سعید از ماهیت واقعی بیتا، ترک رابطه و پشیمانی از سوی سعید، ادامه دادن بیتا به هرزگی و تجاوز به او از جانب چند جوان	سعید و بیتا (فاصله‌ها)	روابط عاشقانه یک طرفه؛ عشق از یک‌طرف و فریب از طرف دیگر
بدنمایی	ناکامی، شکست، جدایی و پشیمانی	تظاهر به عشق از طرف ساسان با انگیزه سوء استفاده از وضعیت مالی خوب پدر شیدا و عشق از طرف شیدا، کمک‌های مالی شیدا به ساسان (در اختیار قرار دادن مغازه و ماشین)، تصمیم شیدا و ساسان برای فروش همه چیز و ادامه زندگی در خارج از کشور، اطلاع شیدا از ماهیت واقعی ساسان قبل از سفر به خارج از کشور و جدا شدن از او بعد از پس گرفتن همه چیز، پشیمانی شیدا	ساسان و شیدا (فاصله‌ها)	

ادامه جدول ۳

موضوع سریال (ارزیابی)	نتیجه (پایان)	شرح رابطه در سریال (وضعیت)	شخصیت‌ها و سریال	الگوی رابطه (انتزاع)
بدنمایی	ناکامی، شکست و جدایی و پشیمانی	تظاهر به عشق از طرف مهران با انگیزه تصاحب زمینی که به صبا و مادرش به ارث رسیده و عشق از طرف صبا، ازدواج صبا با مهران با وجود مخالفت مادر، تحت فشار قرار گرفتن صبا و مادرش از سوی مهران برای واگذاری زمین، فرار صبا به همراه دخترش از خانه و بی‌خبری مادر از او برای مدتی، بازگشت صبا با کمک حاج محسن، ناکام ماندن مهران و به زندان رفتن او	مهران و صبا (فاصله‌ها)	
بدنمایی	ناکامی، شکست، جدایی و پشیمانی	آشنایی در پارک در هنگامی که رها به دنبال مواد مخدر بوده، تظاهر به عشق و قصد ازدواج از طرف فرزند با انگیزه به دست آوردن سهمی از ثروت پدر رها و عشق (توأم با تردید) از طرف رها، در جریان رابطه قرار گرفتن خانواده‌ها و تلاش هر دو خانواده برای فهماندن هدف واقعی فرزند به رها، اطمینان دادن فرزند به رها در خصوص عاشق بودن، فرار رها از خانه، تلاش ناموفق فرزند برای معامله و اخاذی از پدر رها، مصرف مواد مخدر (شیشه) از سوی رها و فرزند به تحریک فرزند، توهم رها و بیرون پریدن او از ماشین، به کما رفتن رها و از دست دادن حافظه و فراموش کردن فرزند، پشیمانی، عذاب وجدان و متنبه شدن فرزند و مشغول به کار شدن او در یک کارگاه تعمیر موتور (دست برداشتن فرزند از رویای یک شبه پولدار شدن)	فرزند و رها (مادرانه)	روابط عاشقانه یک‌طرفه؛ عشق از یک‌طرف و فربسب از طرف دیگر

اما در حالتی که پاسخ عشق از یک طرف، با واکنش بیشتر عقلانی و کمتر احساسی یا بی‌تفاوتی از سوی طرف مقابل همراه است، ویژگی‌های کلی متفاوت است. در این

حالت، هر دو خانواده یا دست‌کم یکی از آنها در جریان رابطه هستند و دو طرف، پایبندی بیشتری به اصول مذهبی و سنتی دارند. جزئیات مربوط به بازنمایی این نوع رابطه در سریال‌های مورد بررسی در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴- رابطه عاشقانه یک‌طرفه (پیشن از ازدواج) به شکل عشق از یک طرف و عقل یا بی‌تفاوتی از طرف دیگر در سریال‌های ایرانی پربیننده با محوریت جوانان

موضوع سریال (ارزیابی)	نتیجه (پایان)	شرح رابطه در سریال (وضعیت)	شخصیت‌ها و سریال	الگوی رابطه (انتزاع)
بدنمایی جنبه عاشقانه و خوب‌نمایی جنبه عاقلانه	توافق طرفین و خانواده‌ها برای تعویق ازدواج تا زمان مهیا شدن شرایط (بلوغ فکری و اجتماعی، توانایی اداره مستقل زندگی و به عهده گرفتن مسئولیت مشترک)	عشق شدید پویا به نغمه در اولین برخوردهای معمول در محیط دانشگاه، رفتارهای بچگانه پویا در بروز این عشق و درخواست ازدواج از نغمه، علاقه‌مند شدن نغمه به پویا و رفتار عاقلانه او با راهنمایی و همراهی بزرگ‌ترها بخصوص پدرش، به هم خوردن قرار خواستگاری پس از اطلاع پدر نغمه از ماجرای شرکت پویا در پارتی و مصرف قرص روان‌گردان، منتفی شدن ماجرا برای مدتی، بخشش پویا از سوی نغمه و پدرش، توافق پویا و نغمه و خانواده‌ها برای تعویق ازدواج تا مهیا شدن شرایط	پویا و نغمه (ترانه مادری)	عشق از یک طرف و عقل (همراه با روابط عاطفی حداقلی) از طرف دیگر روابط عاشقانه یک طرفه؛ عشق از یک طرف و فریب از طرف دیگر
بدنمایی	ازدواج هر یک از طرفین با فردی دیگر، خوشبختی طرف عاشق و شکست طرف بی‌تفاوت در ازدواج بعدی	توافق قدیمی و اولیه خانواده‌ها برای ازدواج بهزاد و مهتاب که پسر دایی و دختر عمه هم هستند، عشق مهتاب به بهزاد و بی‌تفاوتی بهزاد به مهتاب، تصمیم بهزاد برای ازدواج با فردی دیگر (یلدا)، ازدواج عاشقانه بهزاد با یلدا و شکست این عشق، ازدواج عاقلانه و موفق مهتاب با همکارش دکتر زند	بهزاد و مهتاب (دلنوازان)	عشق از یک طرف و بی‌تفاوتی از طرف دیگر

۳. روابط عاقلانه دوطرفه (عقلانیت ارزشی) همراه با روابط عاطفی حداقلی

ویژگی‌های کلی این نوع رابطه در سریال‌های بررسی شده حاکی از آن است که طرفین این نوع روابط پیش از ازدواج، در اغلب موارد، پسر و دختری مذهبی، موجه، عاقل، متعادل از هر نظر و در یک کلام «همه چیز تمام» هستند که یا از طریق خانواده با هدف ازدواج با هم آشنا شده‌اند و یا خانواده‌ها از اولین مرحله آشنایی در جریان رابطه آنها قرار دارند و طرف اجازه و مشورت آنها هستند.

در این الگو، تمام مراحل آشنایی و روابط پیش از ازدواج تا زمان ازدواج و تشکیل خانواده و حتی بعد از آن، با هدایت و نظارت بزرگ‌ترها انجام می‌شود و از آنجا که بین فرزندان و والدین هم‌نواپی ارزشی حکمفرماست؛ آنچه بزرگ‌ترها می‌پسندند، مورد موافقت فرزندان است و آنچه آنان انجام می‌دهند، در اغلب موارد، مورد تأیید و تحسین بزرگ‌ترها قرار می‌گیرد. نکته قابل توجه در خصوص این نوع روابط، اعتماد بزرگ‌ترها به جوانان است. بزرگ‌ترها وقتی که توسط جوانان خود در جریان آشنایی اولیه یا صحبتی که قرار است به قصد ازدواج انجام شود، قرار می‌گیرند؛ با اعلام اعتماد خود به جوانان، فضایی فراهم می‌کنند که جوانان بتوانند شناخت لازم را از هم کسب کرده و تصمیم‌گیری نمایند، البته جوانان نیز در پاسخ به این اعتماد در تصمیم خود با بزرگ‌ترها، مشورت می‌کنند و آنچه انجام می‌شود، محصول تعامل سازنده جوانان و بزرگ‌ترها می‌باشد.

پسر و دختری که طبق این الگو با هم آشنا می‌شوند و ازدواج می‌کنند، افرادی متناسب و اغلب هم‌طبقه ساده‌زیست، قانع، منطقی و خانواده‌دوست هستند و بنای رابطه آنها ابتدا بر عقل و سپس بر علاقه استوار است. آنها با کمک یکدیگر و در سایه مشورت و حمایت بزرگ‌ترها بر مشکلات پیش رو فایق می‌آیند و زندگی سعادت‌مندانه‌ای را آغاز می‌کنند.

جزئیات مربوط به بازنمایی این نوع رابطه در سریال‌های مورد بررسی در جدول ۵ و تحلیل روایت یکی از این موارد (رابطه پیش از ازدواج علی و ریحانه در سریال فاصله‌ها) در جدول ۶ آمده است.

جدول ۵- رابطه عاقلانه دو طرفه (پیش از ازدواج) در سریال‌های ایرانی پربیننده

با محوریت جوانان

موضوع سریال (ارزیابی)	نتیجه (پایان)	شرح رابطه در سریال (وضعیت)	شخصیت‌ها و سریال	الگوی رابطه (انتزاع)
خوب‌نمایی	ازدواج (پس از رفع مشکلات) و خوشبختی	آشنایی احسان و نرگس از طریق خواهر احسان (دوست خوب و صمیمی نرگس) در جریان یک همکاری، شکل‌گیری علاقه‌ای متقابل با مهار عقلانیت بین احسان و نرگس، درخواست ازدواج احسان با همراهی خواهرش و طرح وضعیت خاص او (احسان پیش از این با شقایق ازدواج کرده و از هم جدا شده‌اند)، نظر منفی اولیه نرگس و مادرش که با خواندن یادداشت‌های (نامه) احسان در خصوص ازدواج قبلی‌اش تغییر می‌کند، تناسب و تفاهم نرگس و احسان، مزاحم‌های شقایق که به اشتباه تصور می‌کند آشنایی احسان با نرگس مربوط به زمان قبل از طلاق او از احسان است، رفع مشکلات و ازدواج ساده احسان و نرگس (با جشن خانگی) و زندگی توأم با تفاهم و خوشبختی آنها	احسان و نرگس (نرگس)	روابط عاقلانه دو طرفه؛ (عقلانیت ارزشی) همراه با روابط عاطفی حداقلی
خوب‌نمایی	ازدواج (پس از رفع مشکلات) و خوشبختی	آشنایی علی با ریحانه در دانشگاه و شکل‌گیری علاقه‌ای با مهار عقلانیت در او، صبر کردن علی تا مهیا شدن شرایط حداقلی برای ازدواج، اجازه خواستن علی از پدر ریحانه برای صحبت با او در دانشگاه، روابط محدود (دو جلسه و یک نامه از سوی علی) با حضور یا نظارت بزرگ‌ترها برای آشنایی، تناسب و تفاهم علی و ریحانه، رفع برخی مسائل جزئی، ازدواج ساده علی و ریحانه و خوشبختی آنها	علی و ریحانه (فاصله‌ها)	

ادامه جدول ۵

موضوع سریال (ارزیابی)	نتیجه (پایان)	شرح رابطه در سریال (وضعیت)	شخصیت‌ها و سریال	الگوی رابطه (انتزاع)
خوب‌نمایی	ازدواج (پس از رفع مشکلات) و خوشبختی	معرفی زهره به نیما برای ازدواج از طریق دایی نیما (زهره از اقوام زن‌دایی نیماست) در شرایطی که پدر نیما در زندان است، آشنایی نیما و زهره با هدایت و نظارت بزرگ‌ترها، تناسب و تفاهم متقابل و عقد، مخالفت پدر نیما با این ازدواج بعد از آزادی از زندان، رضایت پدر بعد از تلاش زهره، نیما و مادر و دایی او، ازدواج بدون برگزاری جشن و خوشبختی	نیما و زهره (فاصله‌ها)	
خوب‌نمایی	ازدواج (پس از رفع مشکلات) و خوشبختی	آشنایی مهتاب با فرهاد در محیط کار (مهتاب رزیدنت قلب و فرهاد متخصص قلب است)، تنش اولیه بین مهتاب و فرهاد به دلیل مسائل کاری، آشنایی مهتاب با خواهر فرهاد (الهام) و تلاش الهام برای کمک گرفتن از مهتاب و بهبود وضعیت روحی فرهاد (فرهاد پیش از این ازدواج کرده و زن و بچه خردسالش را در جریان یک تصادف از دست داده است. او خود را در آن تصادف مقصر می‌داند و وضعیت روحی بدی دارد)، کمک مهتاب به فرهاد و بهبود شرایط روحی او در جریان روابط خواهر- برادری آنها در محیط کار (مهتاب و فرهاد قصد ازدواج ندارند)، طرح موضوع ازدواج از سوی خواهر فرهاد، مخالفت اولیه طرفین و رضایت آنها به ازدواج پس از مدتی	مهتاب و فرهاد (دلنوازان)	روابط عاقلانه دو طرفه؛ (عقلانیت ارزشی) همراه با روابط عاطفی حداقلی

جدول ۶- تحلیل روایت سریال فاصله‌ها از رابطه عاقلانه دوطرفه (پیش از ازدواج) علی و ریحانه با بهره‌گیری از عناصر مدل لایوف برای تحلیل روایت

انتزاع	وضعیت (جهت‌گیری)	کنش پیچیده‌کننده	ارزیابی	راه‌حل	پایان
روابط عاقلانه دوطرفه پیش از ازدواج	آشنایی علی و ریحانه (هر دو سنتی و مذهبی) در محیط دانشگاه، غلبه عقل و منطق بر احساسات از هر دو طرف، اطلاع دادن به بزرگ‌ترها و اجازه خواستن از آنها برای آشنایی و صحبت با هم درباره ازدواج، صحبت در محیط دانشگاه و حجب و حیا در صحبت‌ها، در جریان قرار گرفتن بزرگ‌ترها از محتوای صحبت‌ها و نظر خواستن از آنها برای ازدواج، برگزاری مراسم با مشورت بزرگ‌ترها، سادگی مراسم ازدواج، رضایت هر دو خانواده به کفایت شرایط اقتصادی حداقلی برای ازدواج	۱. تلاش دوست علی (سعید) در به هم زدن رابطه علی و ریحانه از طریق مطرح کردن تصمیم علی برای ازدواج با دختر دیگری در دانشکده در سال‌های قبل ۲. وضعیت مادر علی بعد از ازدواج	۱. بی‌اهمیت بودن مسئله با توجه به موجه بودن دلیل علی برای انصراف از ازدواج ۲. لزوم استقلال علی از مادرش (جدد زندگی کردن آنها) پس از ازدواج	۱. صداقت و گفتگو، تساهل و مفاهمه ۲. درک حساسیت زن (تمایل او به داشتن خانگی مستقل از مادرشوهر) از جانب مرد و اتمام در جهت مورد نظر زن (کوتاه آمدن مرد بدون کشمکش و بحث)	رفع سوء تفاهم و در نظر گرفتن اولویت‌ها، ازدواجی بدون مسئله، ساده و شیرین، خوشبختی

۴. روابط اجتماعی (خواهر- برادری)

رابطه اجتماعی (خواهر- برادری) در اشاره به آن دسته از روابط بین دختران و پسران به‌کار برده شده که انگیزه دو طرف، خیرخواهی، کمک، حمایت و رفع مشکلات طرف مقابل (بدون چشمداشتی خاص) است. این نوع روابط در حال حاضر در محیط‌های

فامیلی، تحصیلی یا کاری می‌توانند نمود داشته باشند. در سریال‌های بررسی شده این نوع روابط بین دختران و پسران، روایت پرننگی ندارد. سریال‌ها ترجیح داده‌اند کمتر به این نوع روابط پردازند و آنرا محدود به روابط فامیلی نزدیک (روابطی که امکان ازدواج طرفین وجود ندارد) بازنمایی کنند. در یک مورد هم که می‌توانست نماینده این نوع رابطه در مناسبات غیرفامیلی باشد (رابطه مهتاب و فرهاد در سریال دلنوازان)، دو طرف رابطه در انتهای سریال به پیشنهاد خواهر یکی از طرفین، به گونه‌ای غیرمنتظره با هم ازدواج می‌کنند. نکته قابل ذکر در بازنمایی این نوع رابطه، فعال بودن دختران (دختران همه چیز تمام) در راهنمایی و کمک به پسران (پسران جوان خام و بی‌تجربه) بوده است که یادآور «مادری کردن دختران برای پسران» است. به عبارت دیگر، تمام روابط خواهر-برادری بازنمایی شده در سریال‌های مورد بررسی از این دست بوده و رابطه خواهر - برادری با محوریت پسران بازنمایی نشده است. جزئیات بیشتر روابط اجتماعی (خواهر - برادری) بازنمایی شده در سریال‌های مورد بررسی در جدول ۷ آمده است.

**جدول ۷- رابطه اجتماعی (خواهر - برادری) در سریال‌های ایرانی پربیننده
با محوریت جوانان**

موضوع سریال (ارزیابی)	نتیجه (پایان)	شرح رابطه در سریال (وضعیت)	شخصیت‌ها و سریال	الگوی رابطه (انتزاع)
خوب‌نمایی	موفقیت کم دختر در کمک به پسر	نرگس خواهرخانم بهروز است. او ابتدا با ازدواج خواهرش با بهروز مخالف است، اما پس از ازدواج آنها نقش حامی بهروز و نسرین را در مقابل پدر بهروز ایفا می‌کند. نرگس در خصوص اشتباهات ریز و درشت بهروز او را راهنمایی و در عمل برای حل مشکلات به او کمک می‌کند. بهروز هم اغلب راهنمایی و کمک نرگس را می‌پذیرد و قدردان اوست؛ اما در نهایت بهروز و نسرین با پنهان‌کاری از نرگس اشتباهی انجام می‌دهند که منجر به جدایی آنها می‌شود.	نرگس و بهروز (نرگس)	روابط اجتماعی (خواهر - برادری)

ادامه جدول ۷

موضوع سریال (ارزیابی)	نتیجه (پایان)	شرح رابطه در سریال (وضعیت)	شخصیت‌ها و سریال	الگوی رابطه (انتزاع)
خوب‌نمایی	موفقیت نسبی دختر در کمک به پسر	مهتاب خواهر خاتم رامین است که در مواقع لزوم او را راهنمایی می‌کند تا بتواند بر مشکلاتی که با همسرش دارد غلبه کند. مهتاب از سوی دیگر خواهرش را نیز نصیحت می‌کند. رفتار رامین با مهتاب نیز رفتاری از روی پذیرش و احترام است.	مهتاب و رامین (دلنوازان)	
خوب‌نمایی	موفقیت کامل دختر در کمک به پسران	سمیرا که چند سال بزرگ‌تر از پویا و بهرام (دو برادر جوان) است و خود را فامیل دور آنها معرفی می‌کند، در واقع عمه پویا و بهرام است اما در قسمت اعظم سریال رابطه خانوادگی واقعی آنها از نظر پویا، بهرام و مخاطب پنهان است. رابطه سمیرا با بهرام و پویا رابطه‌ای مبتنی بر احساس وظیفه، خیرخواهی، مراقبت و حمایت از طرف سمیرا و احساس احترام و پذیرش از طرف پویا و بهرام است.	سمیرا و پویا و بهرام (ترانه مادری)	روابط اجتماعی (خواهر - برادری)

به طور کلی، صداوسیما با این نحوه بازنمایی مسئله، در پی تأکید بر چارچوب ازدواج به عنوان تنها شکل پذیرفته شده روابط دختران و پسران جوان و ارائه الگویی مبتنی بر عقل و عواطف حداقلی برای ازدواج است که در آن بر نقش خانواده و ارزش‌های مذهبی و سنتی در روابط پیش از ازدواج جوانان تأکید می‌شود. سریال‌های صداوسیما از دختران و پسران جوان می‌خواهند تا از روابط خارج از مسئله ازدواج پرهیز کنند و در مسئله ازدواج نیز، روابط‌شان از همان آغاز آشنایی با اطلاع، هدایت و نظارت افراد بزرگسال بویژه والدین و با در نظر گرفتن ارزش‌های مذهبی و سنتی در این زمینه باشد. در سریال‌های مورد بررسی، الگوی اشاره شده تنها الگویی است که منجر به ازدواج موفق و خوشبختی جوانان شده است و تمام الگوهای دیگر محکوم به شکست بوده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

روابط دختران و پسران جوان یکی از مسائل فرهنگی-اجتماعی جوانان در جامعه ایران است که مورد توجه نهادهای مختلف فرهنگی و آموزشی جامعه می‌باشد. این مسئله ریشه در عوامل متعددی دارد که شاید بتوان آنها را در حرکت به سمت گذار از «جامعه توده‌ای» به «جامعه شبکه‌ای» خلاصه کرد. جامعه توده‌ای با ویژگی‌هایی چون طبیعت اجزای همسان، مقیاس گسترش یافته، محدوده محلی، اتصال‌پذیری در درون اجزای بالا، چگالی، تمرکز و فراگیرندگی بالا و انواعی از اجتماعات فیزیکی و یکتا، سازمان‌های بوروکراتیک و یکپارچه از بالا، خانواده‌های پرتعداد و پرفامیل، ارتباطات چهره‌به‌چهره و رسانه‌های کم و با پخش جمعی و جامعه شبکه‌ای با ویژگی‌هایی چون طبیعت اجزای ناهمسان، مقیاس گسترش یافته و کاهش یافته، محدوده جهانی-محلی، اتصال‌پذیری در میان اجزای بالا، چگالی، تمرکز و فراگیرندگی پایین و انواعی از اجتماعات مجازی و گوناگون، سازمان‌های اینفوکرسی و متمایز افقی، خانواده‌های کوچک، ارتباطات به طور روزافزون رسانه‌ای شده و رسانه‌های زیاد و تعاملی با مخاطبان محدودتر شناخته می‌شوند (ون‌دایک^۱، ۲۰۰۶، ص ۳۳، به نقل از اکبرزاده جهرمی، ۱۳۸۵).

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که موضع سریال‌های مورد بررسی در خصوص الگوهای روابط دختران و پسران جوان، موضعی شفاف و مشخص است که بیش از آنکه از طریق نشانه‌ها و عناصر گفتمان‌سازی برجسته شود، از طریق روایت سریال و به طور مشخص، از زبان «شخصیت یا شخصیت‌های کاملاً سفید و مثبت» بارها در طول سریال تکرار می‌شود. این شخصیت‌ها در تمام موارد، شخصیت‌هایی مثبت از هر نظر و به اصطلاح «همه چیز تمام» بوده‌اند^(۳) که در جریان وقایع مختلف سریال، موضع خود (و در واقع موضع سریال) را در قالب نصیحت، توضیح، بیان دلیل و ارائه راه حل مشکلات پیش آمده بیان کرده‌اند.

بر این اساس، آن دسته از روابط پیش از ازدواج دختران و پسران جوان که از هر دو طرف یا یکی از طرفین مبتنی بر عشق بوده، روابطی بدنمایی شده و مورد نکوهش سریال‌های مورد بررسی بوده‌اند که نتیجه‌ای جز شکست، ناکامی و پشیمانی نداشته‌اند.

این روابط در حالت عشق یک‌طرفه منجر به ازدواج نشده‌اند و در حالت عشق دوطرفه، پس از مخالفت خانواده‌ها و کشمکش فراوان به ازدواج انجامیده‌اند، اما چند صبحی بعد، مشکلاتی پیش آمده که موجب از هم‌پاشیدن زندگی و پشیمانی طرفین شده است. در روایت سریال‌های تلویزیونی بررسی شده، بلندپروازی و رویاپردازی جوانان در خصوص زندگی آینده، بی‌توجهی جوانان به اصول و ارزش‌های مذهبی و سنتی، دور شدن جوانان از دامن خانواده و پنهان‌کاری آنها از خانواده‌ها دلایلی هستند که موجب بروز روابط آسیب‌زا در بین جوانان دانسته شده و بر بازگشت به ارزش‌های مذهبی، سنتی و خانوادگی برای در امان ماندن از آسیب‌های این روابط تأکید شده است.

در این میان، روابط مبتنی بر فریب از هر دو طرف و روابط دختران و پسران (بدون قصد ازدواج و بدون قصد فریب؛ چنان که در جامعه شاهد چنین روابطی نیز هستیم) در سریال‌های مورد بررسی بازنمایی نشده‌اند؛ این در حالی است که هر دو حالت این روابط می‌توانند ظرفیت‌هایی برای رمزگذاری پیام‌های مورد نظر صداوسیما داشته باشند.

در کنار این الگوهای مسکوت مانده یا منفی بازنمایی شده، الگوی مورد تأیید صداوسیما در روابط پیش از ازدواج دختران و پسران، الگویی مبتنی بر عقل با چاشنی عواطف حدقلی و پایبندی به ارزش‌های مذهبی و سنتی و نظارت و دخالت خانواده‌ها و بزرگ‌ترها از اولین مراحل آغاز رابطه است. تنها چنین الگویی است که منجر به ازدواج و زندگی‌های موفق شده است.

از سوی دیگر، بازنمایی روابط اجتماعی دختران و پسران جوان (بدون قصد ازدواج) در محیط‌های کاری، تحصیلی و ... در سریال‌های مورد بررسی محدود به حالت مثبت آن (حالتی که از آن به روابط خواهر - برادری تعبیر شده) در حیطه آن دسته از روابط فامیلی بوده که امکان ازدواج طرفین وجود نداشته است. حالت غالب این نوع بازنمایی نیز به شکل حمایت و کمک دخترهای «همه‌چیزتمام» در حق پسرهای جوان خام و بی‌تجربه بوده است. در خصوص این الگو نیز در موارد زیر یا غیاب بازنمایی داشته‌ایم یا بازنمایی بسیار کم‌رنگ و حاشیه‌ای، بدون شکل‌گیری روایتی خاص بوده است: روابط اجتماعی مثبت متقابل بین دخترها و پسرها در محیط‌های تحصیلی و کاری، روابط اجتماعی فامیلی با محوریت پسرها و حالت منفی این نوع روابط (حالتی که در آن هر دو طرف یا یکی از طرفین، تظاهر می‌کنند). به نظر می‌رسد

که در اختیار نبودن الگوی مورد تأیید رسمی از این نوع روابط، باعث غیاب بازتابی این الگو در سریال‌های تلویزیونی شده است. این در حالی است که دختران و پسران جوان در زندگی روزمره خود در فضاهای اجتماعی بسیاری (نظیر دانشگاه یا محیط کار) در تعامل با هم قرار دارند و نادیده گرفتن روابط اجتماعی جوانان در این حوزه در سریال‌های تلویزیونی، منجر به حذف نقش بالقوه‌ای است که صداوسیما می‌توانست در این مسئله داشته باشد.

واقعیت آن است که وضعیت روابط دختران و پسران جوان در جامعه، پیچیده و تابع عوامل متعددی است. از یک سو، به تأخیر افتادن استقلال اقتصادی جوانان از خانواده و گرایش جوانان به ادامه تحصیل، موجب بالارفتن سن ازدواج و افزایش فاصله بلوغ جنسی جوانان و ازدواج آنها و حضور طولانی‌تر آنها در خانواده شده و از سوی دیگر، گسترش رسانه‌هایی چون ماهواره و اینترنت با ارائه اشکال جدیدی از رابطه دختران و پسران، ارزش‌های جوانان و خانواده‌ها را در این حوزه تحت تأثیر قرار داده است. علاوه بر این، حضور بیشتر جوانان و بویژه دختران جوان در عرصه‌های اجتماعی و ظهور و گسترش فناوری‌های ارتباطی جدید نظیر تلفن‌های همراه هوشمند و شبکه‌های اجتماعی ارتباط دختران و پسران را تبدیل به امری ساده، آسان، پنهان و خارج از کنترل خانواده‌ها کرده است. در چنین شرایطی نحوه بازتابی این روابط در سریال‌های صداوسیما نیز باید با توجه کافی به پیچیدگی ابعاد اشاره شده باشد.

بر این اساس پیشنهاد می‌شود که صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران در تولید سریال‌های تلویزیونی در این حوزه، با انجام پژوهش‌ها و مطالعات میدانی و مخاطب‌پژوهی در این حوزه و نیز با بهره‌گیری از نظرکارشناسان حوزه‌های مرتبط، به ابعاد مختلف مسئله روابط پیش از ازدواج دختران و پسران متناسب با واقعیت این مسئله در جامعه پردازد و در رمزگذاری سریال‌های تلویزیونی با این موضوع توجه بیشتری به اصول حرفه‌ای مهندسی پیام و طرح غیرمستقیم و هنرمندانه موضع سازمان به جای طرح مستقیم آن در قالب گفتگوها داشته باشد. همچنین به نظر می‌رسد که امکان پخش این سریال‌ها به صورت پایلوت، برای مخاطبان هدف و کارشناسان و اصلاح برخی موارد و سکانس‌ها بر اساس بازخوردهای به دست آمده، پیش از نمایش عمومی آنها در یک شبکه تلویزیونی وجود داشته باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. «چی شد؟» سؤال معمول مخاطبانی که یک قسمت از سریال مورد علاقه خود را از دست داده‌اند، از کسانی است که سریال را دیده‌اند. پاسخ این سؤال نیز به طور معمول ذکر اتفاقاتی که در آن قسمت رخ داده (روایت سریال) می‌باشد.
۲. علاوه بر الگوهای یاد شده، در یک مورد (سریال دلنوازان؛ رابطه روشنک و رامین) شاهد بازنمایی رابطه‌ای هستیم که شاید بتوان آن را «رابطه مبتنی بر لجبازی با حداقلی از عشق و عقل» نامید. رامین و روشنک (هر دو مد روز و پرشر و شور) همکار یکدیگر در یک آژانس هواپیمایی هستند. رابطه کاری آنها با یکدیگر، رابطه‌ای مبتنی بر مچ‌گیری از طرف مقابل و جر و بحث‌های کاری با چاشنی شوخی کنایه‌آمیز است. رامین در محل کار از روشنک خواستگاری می‌کند و از او می‌خواهد که برای خواستگاری به همراه خانواده به منزل آنها بیایند. روشنک ابتدا شوکه می‌شود، ولی در نهایت قبول می‌کند و رامین و روشنک به عقد هم درمی‌آیند. رابطه مبتنی بر «کل‌کل» رامین و روشنک همچنان ادامه دارد و ارتقای روشنک به مدیریت آژانس، حرف‌ها و کنایه‌های خواهر رامین، مشکلات آنها در پیدا کردن محلی برای اجاره و ... به تنش در این رابطه دامن می‌زند تا در نهایت، با کمک و راهنمایی بزرگ‌ترها و واقع‌بینی و توافق متقابل برای حل مشکلات از سوی رامین و روشنک، مشکلات به ظاهر حل می‌شوند.
۳. شخصیت یا شخصیت‌های کاملاً سفید و مثبت سریال‌های مورد بررسی به شرح زیر بوده‌اند: نرگس در سریال نرگس، سمیرا و مادر بزرگ در سریال ترانه مادری، جهان و مهتاب در سریال دلنوازان، حاج رضا در سریال فاصله‌ها و محمدجواد در سریال مادرانه.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی و جمال محمدی. (۱۳۸۵). تلویزیون و هژمونی فرهنگی. فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۷.
- اکبرزاده جهرمی، سیدجمال‌الدین. (۱۳۸۵). چشم‌انداز تغییرات در تلویزیون: تلویزیون تعاملی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ارتباطات. تهران: انتشارات دانشگاه صداوسیما.
- اوحدی، مسعود. (۱۳۹۱). روایت‌شناسی سینما و تلویزیون. تهران: انتشارات دانشگاه صداوسیما.

- بارت، رولان. (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها* (ترجمه محمد راغب). تهران: فرهنگ صبا.
- بنت، اندی. (۱۳۸۶). *فرهنگ و زندگی روزمره* (ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاووشیان). تهران: اختران.
- بودریار، ژان. (۱۳۸۶). *فرهنگ رسانه‌های گروهی* (ترجمه شیده احمدزاده). فصلنامه ارغنون، ۱۹.
- تولان، مایکل. (۱۳۸۶). *روایت‌شناسی؛ درآمدی زبان‌شناختی - انتقادی* (ترجمه سیده فاطمه علوی و فاطمه نعمتی). تهران: سمت.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۷). *روایت، روایت‌گری و تحلیل‌های شرح‌حال نگارانه*. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ۲۸.
- فیسک، جان. (۱۳۸۶). *فرهنگ تلویزیون* (ترجمه مژگان برومند). فصلنامه ارغنون، ۱۹.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد. (۱۳۸۹). *نظریه‌های رسانه؛ اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*. تهران: همشهری.
- Briggs, M. (2010). **Television, Audiences and Everyday Life**. Open University Press.
- Ellis, J. (1999). **Television as Working Through** in Jostein Gripsrud (ed.). *Television and Common Knowledge*. London: Routledge.
- Kellner, D. (2002). **Media Culture**. London & New York: Routledge.
- McQuail, D. & Cuilenburg, J.V. (2003). *Media Policy Paradigm Shifts: Towards a new Communications Policy Paradigm*. **European Journal of Communication**, sage Publications (London Thousand Oaks, CA & New Delhi), Vol. 18, No. 2, pp. 181-207.
- Stevenson, N. (1995). **Understanding Media Cultures**. London, Sage.
- Strangelove, M. (1998). **Redefining the Limits to Thought Within Media Culture**, A Ddoctoral Dissertation of Mass Media, University of Ottawa.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی